

موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه آزاد چابهار و تأثیر آن بر شکل‌گیری توسعه‌ی منطقه‌ای

مهدی مدیری

استادیار گروه مهندسی نقشه‌برداری دانشکده فنی سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

مهرداد کرمی^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبائی

مصطفی رشیدی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۴/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۲/۶

چکیده

هر کشوری ممکن است باتوجه به توانمندی‌های سرزمینی خود اقدام به برنامه‌ریزی جهت توسعه اقتصادی کند. این برنامه‌ریزی‌های توسعه براساس ویژگی‌های هر منطقه تدوین می‌شود و باتوجه به میزان توانمندی آن منطقه به نتایج مشخصی دست می‌یابد. در این مقاله نیز نگارندگان سعی دارند با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی خاص منطقه آزاد چابهار به بررسی نقش این عنصر ژئوپلیتیکی در شکل‌گیری توسعه منطقه‌ای این منطقه آزاد بپردازند. بنابراین سوال اصلی این پژوهش این است که: موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه آزاد چابهار چه نقشی در شکل‌گیری توسعه منطقه‌ای آن خواهد داشت؟ فرضیه تحقیق نیز بدین صورت است که: به نظر می‌رسد موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه آزاد چابهار نقش مهم و انکارناپذیری در شکل‌گیری توسعه منطقه‌ای آن خواهد داشت. لازم به ذکر است که مقاله حاضر به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، موقعیت ژئوپلیتیکی، توسعه منطقه‌ای، منطقه آزاد چابهار.

مقدمه

ایران زمین در ادوار مختلف تاریخ بوسیله جغرافیای خاص و موقعیت ژئوپلیتیکی منحصر به فرد خود کانون توجه اقوام و ملل مختلفی بوده است و به همین خاطر همواره این سرزمین شاهد آمد و شد افراد و گروه‌ها و اقوام و دولت‌های مختلفی از آریایی‌ها، مقدونی‌ها، اعراب، مغولان، ترک‌ها و در دوره معاصر انگلیسی‌ها، روس‌ها، آمریکایی‌ها و غیره بوده است. این توجه تاریخی به وضعیت ژئوپلیتیکی ایران گواهی بر اهمیت خاص این سرزمین دارد.

کشور ایران کنونی که بازمانده ایران بزرگ است در مرکز امپراتوری بزرگ ایران قدیم واقع شده و تمامی خصیصه‌های ژئوپلیتیکی با اهمیت ایران قدیم را به همراه امتیازهای جدید ناشی از پیدایش مقوله‌های جدید انرژی و غیره با خود به همراه دارد. در شمال کلی سرزمین ایران یکی از با اهمیت‌ترین مناطق جهان محسوب می‌شود. در سطح منطقه‌ای و محلی نیز هر کدام از مناطق این کشور اهمیت ژئوپلیتیکی خاصی را دارا است. شمال، شمال غرب، شمال شرق، شرق، غرب، جنوب، جنوب غرب و جنوب شرق این سرزمین به تنهایی و بدون در نظر گرفتن کلیت کشور ایران دارای توانمندی‌های بزرگ ژئوپلیتیکی هستند.

یکی از این مناطق همانطور که اشاره شد، منطقه جنوب شرق کشور است که به جرأت می‌توان آن را جزء با اهمیت‌ترین مناطق کشور قلمداد کرد. این منطقه بواسطه پیوستگی سرزمین با کشورهای شرقی ایران، گذرگاه ایران به شرق و دریای عمان و نیز بهترین مسیر برای اتصال کشورهای افغانستان و آسیای مرکزی به آب‌های آزاد است. در این منطقه بندر چابهار قرار دارد که در کنار آب‌های عمیق دریای عمان واقع شده و توانمندی عظیمی برای ایجاد اسکله‌های بزرگ جهت پهلوگیری کشتی‌های بزرگ دارد. همچنین این بندر، آخرین بندر ایران در گوشه جنوب شرقی کشور است. این عوامل به همراه عوامل و عناصر بی شمار دیگر به این منطقه اهمیت ویژه‌ای بخشیده است. بواسطه همین اهمیت ژئوپلیتیکی است که محدوده بندر چابهار به عنوان منطقه آزاد در نظر گرفته شده است. این اقدام با هدف توسعه منطقه‌ای و در ادامه با نیت توسعه ملی و جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی صورت گرفته است. اما آنچه در این مقاله مدنظر است، توجه به مبحث توسعه منطقه‌ای در حوزه‌ی این منطقه آزاد، با توجه به نیاز شدید منطقه مورد نظر به توسعه است. در این راستا سعی شده در این پژوهش به بررسی نقش موقعیت ژئوپلیتیکی این منطقه در شکل‌گیری توسعه منطقه‌ای پرداخته شود. بنابراین سوال اصلی این پژوهش این است که: موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه آزاد چابهار چه نقشی در شکل‌گیری توسعه منطقه‌ای آن خواهد داشت؟ فرضیه تحقیق نیز بدین صورت است که: به نظر می‌رسد موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه آزاد چابهار نقش مهم و انکار ناپذیری در شکل‌گیری توسعه منطقه‌ای آن خواهد داشت. لازم به ذکر است که مقاله حاضر به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است.

ژئوپلیتیک

واژه ژئوپلیتیک برای اولین بار در حدود یک قرن پیش بکار رفت و از اینرو با وجود سابقه یکصد ساله همچنان از حیث تعریف و مرزبندی با سایر علوم محل مناقشه بوده و متقدمین و متاخرین صاحب نظر در این حوزه اندیشه‌ای

هیچگاه نتوانستند در مورد یک تعریف کامل و جامع و مانع از اصطلاح و مفهوم ژئوپلیتیک به دیدگاهی یکسان و توافق کامل دست یابند.

ایولاکوست اندیشمند فرانسوی می‌گوید: من چیزی را ژئوپلیتیک می‌نامم که با رقابت و تقابل قدرت بر روی (و برای) سرزمین مرتبط باشد. رجوع به سرزمین با تمام خصوصیات جغرافیایی آن است که ارتباط بین ژئوپلیتیک و جغرافیا را برجسته می‌سازد (لاکوست، ۱۳۸۷، صص ۱۲-۱۴). اتوتایل، فضا سازی سیاست‌های بین‌المللی بوسیله مراکز قدرت و دولت‌های سلطه‌گر را ژئوپلیتیک می‌داند (Thuatail, 1996, p45). در حالی که جان اگنیو مطالعه تاثیر جغرافیا بر روابط بین ملت‌ها را ذکر می‌کند (Agnew, 1998, p15). محقق حوزه جغرافیای سیاسی انگلستان پیترو تیلور نیز مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان بویژه رقابت بین قدرت‌های بزرگ و اصلی را عمده‌ترین وظیفه ژئوپلیتیک می‌داند (Taylor, 1989). گراهام فولر در این زمینه می‌گوید: ژئوپلیتیک بخشی از یک فن قدیمی است که در حقیقت کلاسیک خود، بر جغرافیا به عنوان عامل تعیین کننده رفتار دولت تاکید می‌کند (فولر، ۱۳۷۳، ص ۱۰). در فرهنگ‌نامه فرانسوی روبر دربارهی ژئوپلیتیک آمده است: «ژئوپلیتیک علمی است که به مطالعه روابط بین داده‌های طبیعی، جغرافیا و سیاست حکومت‌ها می‌پردازد» (عزتی، ۱۳۸۲، ص ۵). این تعریف ژئوپلیتیک را در ورای جغرافیا قرار داده و جغرافیای را یکی از مؤلفه‌های آن در نظر می‌گیرد. در فرهنگ‌نامه لاروس نیز ژئوپلیتیک این چنین تعریف شده است: «مطالعه‌ی روابطی که هر کشور به وسیله‌ی آن سیاست‌هایش را با قوانین طبیعی به هم پیوند می‌زند و در این پیوند قوانین طبیعی از عوامل دیگر، تعیین کننده‌ترند» (همان). در این بخش ژئوپلیتیک بیشتر منتج از عوامل طبیعی است و عناصر طبیعی نقش برجسته دارند. کارل‌هاوس هوفر بین ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی تفاوت قائل بود. او ژئوپلیتیک را هنری پویا و جغرافیای سیاسی را دانشی ایستا توصیف می‌کرد. همچنین اوتامائول یکی از جغرافیدانان آلمانی ژئوپلیتیک را نیاز فضایی دولت و جغرافیای سیاسی را دانش مطالعه شرایط فضایی دولت می‌دانست (حافظ نیا، ۱۳۸۰، ص ۲۴).

در بین اندیشمندان و اساتید حوزه جغرافیای سیاسی ایران نیز دیدگاه‌های مهم و قابل توجهی وجود دارد که از آن جمله آنان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: میرحیدر معتقد است که شیوه‌های قرائت و نگارش سیاست بین‌الملل توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تاثیر آنها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطح بین‌المللی بیان کاملی از ژئوپلیتیک است (میرحیدر، ۱۳۷۷، ص ۶۱). از طرف دیگر مجتهدزاده ضمن بیان این نکته که ژئوپلیتیک مطالعه اثر عوامل جغرافیایی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است و جغرافیای سیاسی مطالعه تاثیر تصمیم‌گیری‌های سیاسی بر محیط جغرافیایی است با این تفاوت که ژئوپلیتیک غالباً فرامرزی است و در محدوده بین‌المللی معنا پیدا کرده و معمولاً سیاست خارجی را مطالعه می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۷۹). وی جغرافیای سیاسی را مربوط به عوامل داخلی در یک کشور و ژئوپلیتیک را مربوط به عوامل خارجی و در سطح روابط بین دول می‌داند. در این دیدگاه ژئوپلیتیک به مطالعه روابط ساختاری «قدرت‌ها» باهم، در دو راستای افقی (روابط قدرت‌های همتراز) و عمودی (روابط قدرت‌های بزرگ و کوچک) می‌پردازد. این ساختار در برخوردی کلی «نظام جهانی» عنوان می‌گیرد که محتوای اصلی مباحث ژئوپلیتیک را شامل می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۱، ص ۱۲۷).

از سوی دیگر حافظ نیا ضمن ارائه تعریفی نسبتاً جامع و چند وجهی اظهار می‌دارند که ژئوپلیتیک مفهومی ترکیبی است و در آن سه عنصر اصلی جغرافیا، قدرت و سیاست خصلتی ذاتی دارند. بنابراین ژئوپلیتیک عبارتست از مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست که در قالب یک مدل سه وجهی قابل تبیین است، در این مدل سه حوزه فضا، محیط و انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در حوزه فضا تعامل‌های فضایی و سیستم‌ها و ساختارهای فضایی مدنظر است و در حوزه محیط، ویژگی‌ها و عوامل محیط طبیعی و مصنوعی و در حوزه انسان‌ها خصلت‌ها و کارکردهای گروهی مدنظر می‌باشد (حافظ نیا، ۱۳۷۹، صص ۸۴-۸۷).

موقعیت ژئوپلیتیکی

موقعیت جغرافیایی از عوامل ثابت ژئوپلیتیکی است. اساساً موقعیت، عبارت است از چگونگی قرار گرفتن یک نقطه در سطح کره‌ی زمین که خود دارای دو حالت عمومی یا نسبی و خصوصی یا ریاضی است (عزتی، ۱۳۸۰، ص ۷۵). که معمولاً در مباحث ژئوپلیتیکی موقعیت نسبی مدنظر است که در مقیاس قاره‌ای، جهانی و یا منطقه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرند، که خود دارای تقسیمات دیگری در زیر مجموعه‌ها هستند (عزتی، ۱۳۸۰، ص ۷۵). موقعیت جغرافیایی هر کشور بیانگر نحوه‌ی قرارگیری آن کشور نسبت به دیگر کشورها، واحدهای سیاسی، مناطق مختلف جهان، منابع، دسترسی‌ها و غیره است.

اگرچه به سهولت نمی‌توان تأثیر و نفوذ این عوامل جغرافیایی را بطور دقیق و مطلوب در سرنوشت افراد و دولت‌ها تعریف کرد، ولی بطور کلی می‌توان گفت که حدود شرکت و فعالیت هر کشور در امور بین‌المللی، اغلب بستگی به موقعیت جغرافیایی و ارتباط آن کشور با همسایگان خود-اعم از کشورهای قدرتمند و ضعیف- و همچنین مناسباتش با دولت‌های بزرگ جهانی دارد؛ به عبارت دیگر، در مطالعه‌ی روابط بین کشورها و سیاست خارجی دولت‌ها، پیش گرفتن یک راه و روش خاص، به موقعیت‌های جغرافیایی آن‌ها بستگی دارد (عزتی، ۱۳۸۰، صص ۷۶-۷۵). امروزه جغرافیدانان سیاسی برای مطالعه وضع سیاسی جهان، کلیه وابستگی‌های ناحیه‌ای، ملی و قاره‌ای را در نظر گرفته‌اند و چهار موقعیت جغرافیایی را مورد توجه قرار می‌دهند که عبارتند از:

الف) موقعیت محوری که در واقع همان موقعیت مرکزی یا بری است؛ ب) موقعیت حاشیه‌ای که همان موقعیت ساحلی است که معمولاً محل برخورد است؛ ج) موقعیت بیرونی که منطبق با شرایط جزیره‌ای است و دارای نقش سرپل‌های نظامی هستند؛ د) موقعیت استراتژیک که تاریخ ساز است (عزتی، ۱۳۸۰، ص ۸۴).

کشورهای مختلف جهان نظر به برخورداری از هر کدام از موقعیت‌های فوق از اهمیت متفاوتی برخوردارند. اما برخی از کشورها به سبب قرارگیری در موقعیتی کانونی و درست در محل برخورد قدرت‌های بری و بحری و نیز محل تلاقی شرق و غرب و شمال و جنوب و نیز موقعیت بیرونی که بوسیله دارا بودن جزایر جدای از سرزمین اصلی دارد و نیز موقعیت استراتژیک، صاحب جایگاهی ویژه در سیاست جهانی هستند و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی غیرقابل چشم‌پوشی هستند. این گونه کشورها در هر بخش از سرزمینش دارای مزیت‌های ناشی از موقعیت خاص ژئوپلیتیکی خود است که با یک سیاست و برنامه‌ریزی درست می‌تواند زمینه‌های توسعه سیاسی و اقتصادی خود را به خوبی فراهم نماید.

موقعیت ژئوپلیتیکی ایران

موقعیت جغرافیایی هر کشور از جمله عوامل قدرت جغرافیای است که بین وضع طبیعی زمین و قدرت ملی ارتباط برقرار می‌کند و چگونگی قرار گرفتن یک کشور بروی کره زمین را به ما نشان می‌دهد، این موقعیت به موقعیت ریاضی و موقعیت نسبی تقسیم می‌شود. موقعیت عمومی یا نسبی نیز که در مقیاس‌های قاره‌ای و جهانی و منطقه‌ای، به موقعیت‌های بری و بحری و گذرگاهی قابل تقسیم است.

کشور ایران دارای سه امتیاز موقعیتی است:

(۱) این کشور متصل به موقعیت بین اوراسیاست؛

(۲) به سبب دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان از موقعیت بحری برخوردار است؛

(۳) به لحاظ در اختیار داشتن تنگه استراتژیک هرمز، دارای موقعیت گذرگاهی است.

تجربه نشان داده است، کشورهایی که مجاور آب‌های آزاد و دریا‌های آزاد می‌باشند بهتر می‌توانند استقلال سیاسی و اقتصادی خود را حفظ کنند، اگر چه از نظر نظامی همین دریاها می‌توانند به عنوان مناطق تهدید و حضور بیگانه باشند (رزم آرا، ۱۳۲۰، ص ۱۰). ایران اگرچه از اقیانوس‌ها دریا‌های بزرگ فاصله دارد ولی در دو سوی شمال و جنوب به دریا منتهی می‌شود. از طرف شمال ایران با دریاچه مازندران به عنوان بزرگ‌ترین دریاچه بسته جهان ارتباط دارد و از طریق این دریاچه با روسیه و قزاقستان ارتباط دریایی و با جمهوری آذربایجان و ترکمنستان، علاوه بر ارتباط زمینی، ارتباط دریایی پیدا کرده است. از طرف جنوب یعنی خلیج فارس و دریای عمان نیز ارتباط ایران با دنیای خارج امکان پذیر است و بیش از هشتاد و پنج درصد واردات و نود و پنج درصد صادرات ایران از طریق خلیج فارس و دریای عمان صورت می‌گیرد (صفوی، ۱۳۷۸، ص ۶۸).

موقعیت جغرافیایی استثنایی ایران، یعنی قرار گرفتن این کشور میان پراهمیت‌ترین منابع انرژی جهان، خلیج فارس و دریای خزر، هنگامی کارایی ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک پر اهمیتی خواهد یافت که پروژه‌های انتقال خطوط انرژی و اتصال خطوط راه آهن و... به اجرا درآید و شبکه‌های جاده و راه آهن و راه‌های دریایی و هوایی و شبکه لوله‌های نفت و گاز همانند ریسمان‌های پولادین ژرفای ژئوپلیتیک شمالی ایران را به ژرفای ژئوپلیتیک جنوبی آن پیوند مستحکم دهد و خلیج فارس و دریای عمان را به دریای خزر متصل سازد (مجتهدزاده، ۱۳۷۹، ص ۳۰۰).

ارزش ژئوپلیتیکی ایران در طول تاریخ گذشته به حدی بوده که هرگونه تغییری در حاکمیت آن می‌توانسته موازنه منطقه‌ای و جهانی را چه در گذشته و چه در حال برهم زند (ادیبی، ۱۳۷۷، ص ۴۱). بنابراین هر گاه کشوری از یک موقعیت ژئواستراتژیک برخوردار است، نمی‌تواند خود را از تحولات جهانی دور نگه دارد و یا به عبارتی در انزوا قرار گیرد. زیرا بناچار بخشی از یک استراتژی نظامی و یا سیاسی خواهد بود. موقعیت جغرافیایی ایران در مسیر شبکه‌های مختلف از دیگر امتیازات موقعیت کنترلی ایران است. ایران از جمله کشورهایی است که موقعیت کانونی نسبت به خطوط پروازهای هوایی، شبکه توزیع انرژی شمال به جنوب و شرق به غرب و شبکه‌های مخابراتی دارد. کشور ایران در صورتی که نسبت به موقعیت مرکزی خود در خصوص شبکه‌های فوق آگاه باشد علاوه بر بهره‌برداری‌های فراوان اقتصادی می‌تواند ضریب امنیت خود را نیز افزایش دهد. چرا که این واقعیتی است.

انکارناپذیر که اگر کشوری بتواند حجم و میزان بیشتری از نیازمندی‌های دیگر کشورها را برآورده کند از این امر می‌تواند به عنوان یک امر بازدارنده دفاعی و در جهت ارتقاء بین‌المللی خود بهره‌برداری نماید.

کشور ایران یک موقعیت مرکزی نسبت به کشورهای مجاور خود دارد. در واقع می‌تواند به عنوان کشوری با نسبت ژئوپلیتیکی بالا در تمام حوزه‌های ژئوپلیتیک اطراف خودش حضور داشته باشد و در پیدایش شکل‌های منطقه‌ای و فعال شدن حوزه‌های ژئوپلیتیک و کارکردهای آن، نقش مؤثری داشته باشد و فرایند سیاسی این حوزه‌ها را شکل دهد. با توجه به ارتباط ایران با تمام حوزه‌های ژئوپلیتیکی پیرامونی، می‌تواند بالقوه عامل اتصال برای تمامی این حوزه‌ها باشد (صفوی، ۱۳۷۸، ص ۷۰).

ایران با ۱۵ کشور مستقل همجوار است. این کشور از جنوب با دولت-ملت‌های مستقل کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات عربی متحده و عمان، از شرق با پاکستان و افغانستان، از شمال با ترکمنستان، قزاقستان، روسیه، آذربایجان و ارمنستان و از غرب با ترکیه و عراق همجوار است. اما ایران در شمال با جمهوری خودمختار داغستان، نخجوان و کالمیک و در جنوب با شش امیرنشین از هفت امیرنشین تشکیل دهنده امارات عربی متحده، یعنی ابوظبی، دبئی، شارجه، عجمان، ام القوین و راس الخیمه همسایه است. چنین موقعیتی فضای سرزمین ایران را در مرکز تلاقی دولت‌هایی قرار داده که به طور ماهوی نیازمند تعامل فضایی همه جانبه هستند (کریمی‌پور، ۱۳۷۹، ص ۲۴).

باتوجه به آنچه در مورد موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی کشور ایران گفته شد، مشخص می‌گردد که مناطق مختلف کشور ایران، بویژه در نواحی مرزی، خود بصورت مناطقی ژئوپلیتیکی و گاه ژئواستراتژیکی نقش‌آفرینی می‌کنند و در سطح منطقه‌ای و حتی جهانی حائز اهمیت هستند. با یک نگاه منطقی و توسعه محور به نواحی و مناطق مختلف و توانمندی‌های ناشی از موقعیت ژئوپلیتیکی آن‌ها ما می‌توانیم در جهت توسعه منطقه‌ای در مناطق مختلف کشورمان گام برداریم و از مزیت‌های ژئوپلیتیکی در جهت توسعه و پیشرفت محلی و ملی بهره‌بریم. یکی از این نمونه‌های بهره‌برداری از توان ژئوپلیتیکی مناطق مختلف کشور، مسئله معرفی برخی نقاط مرزی بعنوان مناطق آزاد است. این اقدام می‌تواند در دراز مدت سبب جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و توسعه منطقه‌ای و نظر به میزان اهمیت یک منطقه سبب توسعه ملی نیز بگردد.

مناطق آزاد

مناطق آزاد یکی از عناصر ساختار سیاسی فضا است با کارکرد و هویت اقتصادی-تجاری. در ایران نیز مناطق آزاد با هویت و کارکردهای نظری-عملی خاص خود، در سازمان سیاسی فضای جغرافیایی ایران پدید آمده است و بخشی از ساختار فضا را در ایران در بر گرفته‌اند. این مناطق صرف نظر از فلسفه وجودی، ماهیت و کارکردهای اقتصادی-تجاری آن‌ها، از آن جهت که بخشی از حاکمیت و اقتدار سیاسی حکومت و دولت مرکزی را به خود اختصاص می‌دهند و نسبت به سایر عناصر سازمان سیاسی-فضا از موقعیت ترجیحی برخوردارند، مورد توجه جغرافیای سیاسی قرار دارند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۴۰۶). اما آنچه در این مقاله مورد نظر است، ارائه یک نگاه تلفیقی ژئوپلیتیکی و توسعه محور اقتصادی و در مقیاس توسعه منطقه‌ای است. بنابراین آنچه در اینجا برای ما اهمیت دارد، موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه آزاد مورد مطالعه و تأثیر آن بر توسعه منطقه‌ای است. در این راستا از منظر ژئوپلیتیکی مناطق آزاد، مناطقی قلمداد می‌شوند که با توجه به موقعیت خاص و منحصر به فرد ژئوپلیتیکی خود مورد توجه دولت متنوع

خود واقع شده‌اند و در جهت توسعه اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری‌ها در جهت این توسعه بعنوان مناطق آزاد با قوانین و قواعد خاص معرفی شده‌اند.

اندیشه تأسیس مناطق آزاد در ایران نیز به حدود سال ۱۳۳۰ باز می‌گردد. در آن زمان بنادر خرمشهر، بوشهر و بندر عباس مورد توجه قرار گرفت و مطالعه درباره آن‌ها به مشاوران دانمارکی واگذار شد (محمدی الموتی، ۱۳۷۴، ۷۱ و حافظ‌نیا، ۱۳۸۱، ۱۱ ص). اما سرانجام بعد از انقلاب اسلامی در مرداد ۱۳۶۹ طرح مناطق آزاد تجاری-صنعتی به تصویب هیئت دولت رسید و شورای عالی مناطق آزاد تشکیل گردید. در لایحه مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۲ در خصوص اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی ایران، اهداف تأسیس و توسعه اینگونه مناطق به شرح زیر بیان ده است (محمدی الموتی، ۱۳۷۴، ۱۱۹):

- تسریع در انجام امور زیر بنایی، عمرانی و آبادانی؛

- رشد و توسعه اقتصادی؛

- سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد عمومی؛

- ایجاد اشتغال سالم و مولد؛

- تنظیم بازار کار و کالا؛

- حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای؛

- ارائه خدمات عمومی.

دولت ایران برای ایجاد و توسعه مناطق آزاد ابتدا سه منطقه کیش، قشم و چابهار را در نظر گرفت که هر کدام به لحاظ موقعیت خاصی که دارند حائز اهمیت هستند. در این میان منطقه چابهار بوسیله موقعیت خاص ژئوپلیتیکی خود شرایط منحصر به فردی را برای توسعه به‌عنوان منطقه آزاد دارا است. این وضعیت خود می‌تواند به توسعه منطقه‌ای و حتی ملی کمک شایانی کند. بنابراین بررسی تأثیر موقعیت ژئوپلیتیکی چابهار در توسعه منطقه‌ای در این مقاله مورد توجه نگارنده گان قرار دارد.

موقعیت مکانی منطقه آزاد چابهار

منطقه آزاد تجاری-صنعتی چابهار با وسعت ۱۴,۰۰۰ هکتار در ۲۵ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۶۰ درجه و ۲۷ دقیقه طول شرقی در منتهی‌الیه جنوب شرقی ایران و در کنار دریای عمان، در شرق خلیج چابهار، در شهرستان چابهار که یکی از شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان است و در فاصله ۷ کیلومتری شهر چابهار واقع گردیده است.



تصویر ۱: موقعیت منطقه آزاد چابهار در کشور ایران و خلیج چابهار

موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه چابهار

منطقه چابهار به دلایل جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی دارای ماهیتی استراتژیک برای تحرک و توسعه نیمه شرقی کشور و در نتیجه کل ایران، برای کشورهای همجوار منطقه و حتی برای ارتباطات اقتصادی جهانی است و به تناسب این امر، مقیاس تأثیرگذاری عملکرد «منطقه آزاد تجاری- صنعتی چابهار» نیز در همین ابعاد خواهد بود که دلایل آن مختصراً مورد اشاره قرار می‌گیرد:

بر اساس آمارهای جهانی سازمان ملل در زمینه حمل و نقل بین‌المللی، حدود نیمی از حمل و نقل جهان، میان خاور دور با سایر نقاط دنیا صورت می‌گیرد. از مجموع ۳۳ کریدور حمل و نقل که برای این امر پیش‌بینی گردیده، ۲ کریدور از ایران می‌گذرد و در این بین چابهار نقطه عبور جنوبی‌ترین کریدور شرقی- غربی جهان محسوب می‌گردد که در مسیر جاده بین‌المللی ابریشم قرار دارد. همچنین چابهار نزدیک‌ترین راه به اقیانوس هند و آب‌های آزاد است که با ۱۸۰۰ کیلومتر فاصله تا سرخس، بهترین راه برای دستیابی آسان کشورهای آسیای مرکزی به دریای عمان محسوب می‌گردد. در این میان خلیج چابهار با بریدگی طبیعی و استثنایی خود، بزرگ‌ترین خلیج ایران در حاشیه دریای عمان و بزرگ‌ترین خلیج خاورمیانه در سواحل آن به شمار می‌رود. آب‌های ساحلی چابهار با برخورداری از عمق زیاد از موقعیت خاص استراتژیکی جهت پهلوگیری کشتی‌های اقیانوس‌پیما برخوردار هستند. علاوه بر موقعیت دریایی- بندرگاهی منطقه چابهار، الزام صدور نفت از سواحل و جزایر خلیج فارس که دریای عمان را به معبر خروج نفت به دریاهای آزاد مبدل کرده، بار استراتژیکی- سیاسی خاصی را نیز به منطقه بخشیده است.

در مجموع، موقعیت ویژه دریایی- بندرگاهی منطقه چابهار از نظر دارا بودن مرز آبی وسیع در دریای عمان و همچنین موقعیت استثنایی و استراتژیکی منطقه به لحاظ استقرار در خارج از تنگه هرمز، واقع بودن در دهانه اقیانوس هند و اهمیت آن به عنوان یک راه‌ترانزیتی و بازار اقتصادی برای کشورهای افغانستان و جمهوری‌های تازه استقلال یافته‌ی آسیای مرکزی، موجب گردیده تا «منطقه آزاد تجاری- صنعتی چابهار» به لحاظ موقعیت استقرار، از سایر مناطق آزاد تجاری- صنعتی در کشور متمایز گردد.

از سوی دیگر، وجود «منطقه آزاد تجاری- صنعتی چابهار» در این محدوده، علاوه بر مزیت‌هایی که منطقه چابهار همیشه در امر تجارت و واردات و صادرات کشور ایران داشته و دارد، می‌تواند نقش ویژه‌ای را از نظر ورود و خروج کالاها و همچنین ترانزیت کالاها و مواد برای سایر کشورهای منطقه و اطراف ایفا نماید و میزان اهمیت این منطقه از کشور را دو چندان سازد.



تصویر ۲: نمایش شماتیک موقعیت استراتژیکی استقرار منطقه چابهار به لحاظ دسترسی به نقاط مختلف جهان

روش شناسی تحقیق

در این مقاله با توجه به بررسی مفاهیم ژئوپلیتیکی و منطقه آزاد چابهار به صورتی توصیفی و سپس تحلیل رابطه ژئوپلیتیک بر توسعه منطقه آزاد چابهار و تبیین این موضوع، روش تحقیق توصیفی- تحلیلی است. این پژوهش بواسطه مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی تدوین شده و از نوع تحقیق کاربردی است.

پیشینه برنامه‌ریزی توسعه منطقه آزاد چابهار

در طرح جامع کالبدی منطقه آزاد چابهار ضمن وفادار ماندن به اهداف مطالعات راهبردی با توجه به شرایط متحول جهانی و منطقه‌ای، امکانات و توانمندی‌های ملی و محلی و شناخت توانمندی‌ها و تعیین ظرفیت‌ها مورد توجه قرار گرفته و ضمن ارائه یک برنامه کلی توسعه دراز مدت مبتنی بر توانمندی‌ها، لزوم توجه به برنامه‌ریزی‌های مشخص کوتاه‌مدت و متوالی در راستای اهداف کلی منطقه آزاد را مورد تأکید قرار داده است.

در چارچوب جدید، برای منطقه آزاد چابهار سه نقش اصلی در سه سطح عملکردی متفاوت در نظر گرفته شده است که البته از یکدیگر غیر قابل تفکیک هستند:

الف) تأمین‌کننده بخشی از نیازهای وارداتی کشور

ب) تأمین‌کننده بخشی از نیازهای وارداتی کشورهای همجوار

ج) عامل توسعه منطقه‌ای

در جدول زیر سیر تکوینی بخش‌های واردات، توسعه و دستیابی به اهداف منطقه، چنین ترسیم گردیده است:

جدول ۱ راهبردهای کلیدی منطقه آزاد چابهار

مرحله مطالعاتی	۱۳۶۵ تا ۱۳۷۱	(شامل طرح مطالعاتی آمایش سرزمین، توسعه محور شرق و طرح مطالعات راهبردی)
مرحله عمرانی	۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵	(شامل طرح جامع، جهت‌یابی معماری و شهرسازی و شکل‌گیری سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی)
دوره کوتاه مدت	۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰	(دوره آزمون و خطا برای سنجش زمینه‌های تخصصی و جلب توجه سرمایه‌گذاران خارجی)
دوره میان مدت	۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰	(دوره درون‌گرایی و سرمایه‌گذاری بر پایه استراتژی جایگزینی واردات کشور - عمدتاً نه کلاً)
دوره بلند مدت	۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰	(دوره برون‌گرایی و تبدیل چابهار به منطقه پردازش صادرات - عمدتاً نه کلاً)
دوره توسعه	۱۴۰۱ به بعد	(دوره رشدکیفیت‌ها، حفظ و گسترش دستاوردهای گذشته و بازاریابی برای توسعه صادرات درون‌مرزی ایران به بازارهای خارجی)

همچنین بر اساس طرح جامع کالبدی منطقه آزاد، توانمندی‌های توسعه منطقه در دوره‌های زمانی کوتاه‌مدت، میان مدت و بلندمدت به شرح زیر مشخص شده است:

جدول ۲ توانمندی‌های توسعه منطقه آزاد چابهار در دوره‌های زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت

دوره کوتاه مدت (۱۳۸۰)	دوره میان مدت (۱۳۹۰)	دوره بلند مدت (۱۴۰۰)
- بهبود وضعیت خدمات رفاهی	- ایجاد یکی از سدهای دارای توانمندی برای تأمین آب منطقه	- افزایش ظرفیت بندری
- گسترش ارتباط هوایی چابهار به چند شهر بزرگ دیگر کشور	- بهبود کیفیت راه‌های ارتباط زمینی به دیگر نقاط کشور و آسیای مرکزی	- تبدیل به یکی از ترمینال‌های تأمین نیازهای وارداتی کشور
- اتصال چابهار به شبکه برق سراسری استان	- گسترش ظرفیت بندری	- تبدیل به یکی از کانون‌های تأمین نیازهای کشورهای آسیای مرکزی
- امکان استفاده از منابع معدنی کشور	- اتصال چابهار به شبکه برق سراسری کشور	- امکان ارتباط با آسیای مرکزی از طریق راه آهن
- ایجاد صنایع غذایی و روغن‌های خوراکی	- گسترش صنایع غذایی و روغن‌های خوراکی	- توسعه امکانات فرودگاهی و ایجاد تأسیسات مستقل
- ایجاد صنایع پوشاک	- ایجاد صنایع الکتریکی و خانگی	- ایجاد سد بر دیگر توانمندی‌های تأمین آب منطقه و تقویت منابع آب زیرزمینی دشت‌های کهریز، زرآباد و پیرسهراب
- ایجاد صنایع بسته‌بندی	- گسترش صنایع پوشاک	- مطرح شدن دریا به عنوان تأمین‌کننده آب صنایع بزرگ
- جذب سرمایه‌های محلی در امور تجاری	- جذب سرمایه‌های ایرانی خارج از کشور	- اتصال به شبکه سراسری گاز کشور
- گسترش فعالیت‌های بازرگانی و ایجاد مؤسسات مالی - تجاری	- تحول کیفی در مناسبات بازرگانی	- احتمال ایجاد صنایع شیمیایی بزرگ و پتروشیمیایی
- احتمال استفاده از نیروی انسانی غیرماهر محلی، نیروی انسانی غیرماهر و نیمه‌ماهر استان و نیروی انسانی غیرماهر و نیمه‌ماهر کشور	- ایجاد مؤسسات مالی و بازرگانی خارجی	- احتمال ایجاد صنایع کشتی‌سازی
- احتمالی جذب نیروی غیرماهر خارجی	- جذب نیروهای متخصص داخلی	- احتمال ایجاد پالایشگاه
	- احداث صنایع شیمیایی کوچک	- گسترش صنایع غذایی
		- گسترش صنایع پوشاک
		- گسترش صنایع الکتریکی و خانگی
		- گسترش صنایع بسته‌بندی
		- جذب سرمایه‌های خارجی فعال در صنعت
		- گسترش مؤسسات مالی و بازرگانی
		- جذب نیروهای متخصص ایرانی و خارجی
		- پیدایش شرایط اجتماعی متفاوت و در عین حال متکامل‌تر در منطقه چابهار

منبع: طرح جامع کالبدی منطقه آزاد، ۱۳۷۶

بررسی عملکردها و کاربری‌های بیرونی همجوار منطقه

مجموعه لیپار

این مجموعه با وسعتی حدود ۳۹/۱ هکتار و اراضی سپاه با وسعت ۲۶۸ هکتار در شمال مجموعه لیپار در پیکره یک (خدماتی - تجاری) منطقه آزاد چابهار واقع شده است.

پلاژ ساحلی تیس

به وسعت ۲/۷ هکتار در بخش شمالی اسکله ماهیگیری تیس واقع است.

کارگاه کشتی سازی

حدود ۱۸/۸ هکتار اراضی در بخش جنوبی و ساحلی پیکره ۳ از جانب سازمان منطقه آزاد چابهار جهت صنایع کشتی سازی واگذار گردیده است.

روستای تیس

۴۵۰ هکتار اراضی پیکره چهارم در طرح جامع منطقه آزاد چابهار تحت اختیار اهالی روستای تیس است. از دیگر موارد می توان به اسکله ماهی گیری تیس، و حدود ۴۷ هکتار اراضی حوضچه های نمک گیری مورد بهره برداری و استفاده اهالی روستای مذکور اشاره کرد.

احداث شهر جدید (تیس)

طرح جامع شهر جدید (تیس) برای ۴۴۰۰ هکتار اراضی واقع در شمال غرب منطقه آزاد چابهار و در شمال این خلیج، تهیه گردیده است که هدف از احداث آن جذب سرریز جمعیت ناشی از فعالیت های منطقه آزاد چابهار است.

روستای ناصرآباد

روستای مذکور در قسمت شمال غربی خلیج واقع و تنها سکونتگاه قبل از بندر کنارک است. در نقشه ذیل بعد کاربری های اطراف منطقه آزاد تجاری- صنعتی چابهار نمایش داده شده است.



تصویر ۳: کاربری های اطراف منطقه آزاد تجاری- صنعتی چابهار

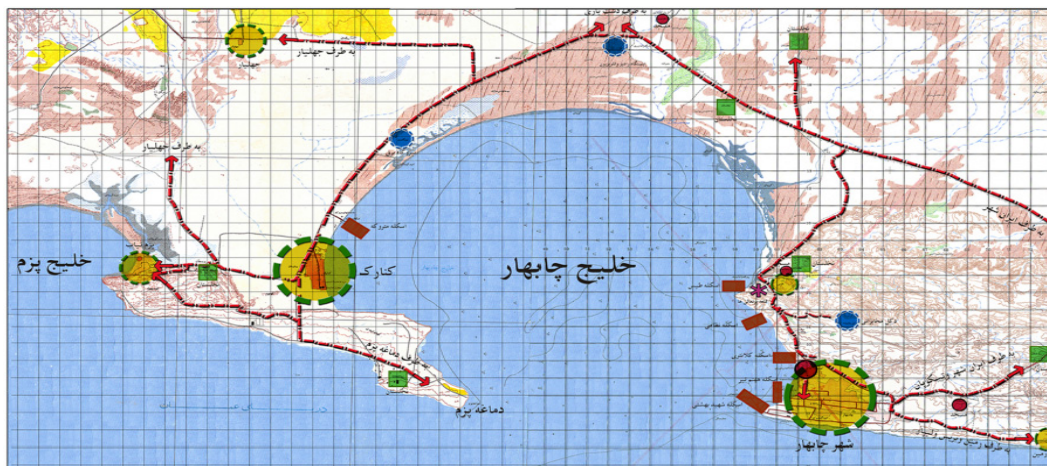
منبع: مهندسین مشاور شهریک، ۱۳۸۹

موقعیت کلی اراضی منطقه آزاد چابهار، در ارتباط با اراضی همجوار، امکانات متعددی را برای اراضی مزبور فراهم آورده است، از جمله:

- ۱) دسترسی مستقیم به امکانات و تأسیسات زیربنایی و توانمندی های اقتصادی- اجتماعی شهر چابهار؛
- ۲) امکان استفاده غیرمستقیم از بندرگاه شهید بهشتی از طریق معابر فعلی و آتی که اسکله های شهید بهشتی و شهید کلانتری را به یکدیگر متصل می سازد؛

۳) مجاورت با اراضی شهر جدید تیس که با واسطه یک فیلتر فضای سبز تحقق می‌یابد؛
۴) قرار گرفتن در مسیر خط انتقال نیرو و امکان بهره‌گیری از خطوط آبی انتقال آب به شهر چابهار و یا شهر جدید تیس.

بررسی موقعیت منطقه نسبت به مراکز عمده فعال عملکردی، اقتصادی و جمعیتی



تصویر ۴: نزدیک‌ترین مراکز جمعیتی به منطقه آزاد چابهار (دایره‌های زرد)

منبع: مهندسین مشاور شهریک، ۱۳۸۹

اولویت‌های اجرایی در راستای توسعه منطقه‌ای

۱- حمل و نقل و ترانزیت

- ارتقاء منطقه آزاد چابهار و تبدیل آن به کانون اصلی حمل و نقل و ترانزیت در چارچوب توسعه محور شرق؛
- فراهم‌سازی امکانات لازم برای کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان جهت ترانزیت و حمل و نقل کالا.

۲- گردشگری

- تشویق سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بخش جهانگردی به منظور تبدیل چابهار به استراحتگاه زمستانی؛
- توسعه زمینه‌ها و بسترسازی برای جذب گردشگران طبیعت‌گرا با بهره‌گیری از ویژگی‌های منطقه‌ای بخصوص با توجه به تنوع آب و هوایی و طبیعت معتدل منطقه در طول سال؛
- تقویت موقعیت فرامنطقه‌ای چابهار و جذب علائق اتباع کشورهای همجوار با توجه به زمینه مشترک و قرابت‌های فرهنگی.

۳- بازرگانی و تجارت

- ایجاد زیرساخت‌های لازم برای رونق محور شرق با توجه به جایگاه راهبردی چابهار؛
- ایجاد شرکت‌های تجاری و بازرگانی بر مبنای همکاری‌های منطقه‌ای؛
- ایجاد پارک دپوی منطقه‌ای کالا.

۴- فن آوری اطلاعات ICT

- ایجاد شبکه اطلاعاتی و تجاری ICT با تکیه بر عملیات ترانزیت و حمل و نقل؛
- تهیه قوانین و ساماندهی مدیریت شبکه‌های اطلاعاتی؛
- ایجاد وب سایت (پیکره‌های رایانه‌ای) سازمان‌های مناطق و توسعه زیرساخت‌ها و شاخه‌های اطلاعاتی، بانک‌های اطلاعاتی عملیات متنوع مورد نیاز و شبکه‌های اطلاعاتی، علمی و دانشگاهی.

۵- علوم، فنون و آموزش

- گسترش و توسعه دانشگاه بین‌المللی چابهار با همکاری دانشگاه‌های معتبر خارجی و جذب سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در توسعه دانشگاه؛
- توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، متناسب با نیازها و چشم‌اندازهای آینده بخصوص در سطح منطقه.

۶- انرژی

- طراحی و ساخت انبارهای سوخت (Tank Farm) برای مبادلات تهاتری به ویژه با آسیای مرکزی؛
- بررسی و مطالعه و اجرای خطوط لوله نفت و گاز از چابهار تا سرخس در محور شرق جهت انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی؛
- سوخت‌رسانی و خدمات جنبی به شناورهای عبوری در دریای عمان و اقیانوس هند؛
- سازماندهی مواد نفتی مورد نیاز پاکستان و افغانستان و جلوگیری از قاچاق سوخت.

۷- صنعت و معدن

- توسعه صنایع وابسته و پایین دست ترانزیت و حمل و نقل؛
- توسعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری صنایع تبدیلی، کشاورزی، معدنی و شیلاتی با توجه به مزیت‌های منطقه با اولویت صادرات.

۸- امور زیربنایی و عمران شهری

- بازنگری و تجدید نظر در طرح جامع با توجه به توسعه ترانزیت و افزایش همکاری بین‌المللی، الحاق شهر چابهار و اراضی تیس به منطقه، اسکان جمعیت‌های جدید؛
- بازنگری، تهیه و اجرای نقشه‌های راهبردی جامع منطقه و استفاده بیشتر از شاخص‌های معماری و نقش‌های محلی؛

- انجام مطالعات و طراحی فرودگاه بین‌المللی برای منطقه آزاد با قابلیت فرود انواع هواپیما؛
- بررسی چگونگی گسترش تأسیسات بندری و اسکله‌های موجود.

۹- فرهنگی - هنری و اجتماعی

- بهبود شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی در سطح منطقه و شهر؛
- حمایت از آموزش عمومی و ارتقای سطح کیفی و کمی آن؛
- حمایت از نهادهای فرهنگی تأثیرگذار در سطح منطقه؛

- حمایت از فعالیت بخش خصوصی در حوزه فرهنگ و هنر؛
- افزایش کیفیت خدمات بهداشتی و درمانی و ارتقای شاخص‌های آن.

نتیجه‌گیری

نظر به نگاه ژئوپلیتیکی به موقعیت هر منطقه جغرافیایی که می‌تواند سبب شکل‌گیری کنش‌های خاصی در جهت توسعه آن منطقه شود، می‌توان به این استدلال دست یافت که تحلیل‌های ژئوپلیتیکی در راستای بررسی چگونگی برنامه‌ریزی‌های خاص هر منطقه برای توسعه منطقه‌ای اهمیت مهم و حیاتی دارد. در این راستا توجه به عوامل ژئوپلیتیکی موثر در توسعه هر منطقه ضروری به نظر می‌رسد. در این مقاله نیز با طرح مبحث موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه آزاد چابهار بعنوان یک منطقه مهم ژئوپلیتیکی در پهنه ژئوپلیتیکی کشور ایران که خود از موقعیتی ویژه در سطح منطقه و جهان برخوردار است به اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی این منطقه آزاد در توسعه منطقه‌ای در این قسمت از کشور پرداخته شده است. منطقه آزاد چابهار با قرارگیری در مسیر یکی از شاخه‌های جاده قدیم ابریشم و نیز واقع شدن در جنوبی‌ترین کریدور شرقی- غربی جهان و نیز نزدیکی به راه اقیانوس هند و آب‌های آزاد که در کوتاه‌ترین زمان کشورهای آسیای مرکزی را به آب‌های آزاد دریای عمان متصل می‌کند وضعیتی منحصر به فرد دارد. علاوه بر این این منطقه آزاد با دارا بودن سواحا عمیق و مخصوص پهلوگیری کشتی‌های بزرگ و قرارگیری در آخرین نقطه جنوب شرقی ایران، زمینه را برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی جهت ارتباطات ارزان و ایجاد تأسیسات زیربنایی در این راستا فراهم آورده است. اهمیت این منطقه با در نظر گرفتن منابع عظیم نفت و گاز خلیج فارس و نیز لزوم عبور بخشی از انرژی آسیای مرکزی و حوزه دریای خزر از این منطقه در کنار نیاز حیاتی کشورهای محصور آسیای مرکزی و افغانستان بارزتر می‌گردد.

این توانمندی‌های عظیم و کم نظیر منطقه آزاد چابهار در کنار تلاشی که دولت ایران در جهت برنامه‌ریزی توسعه این منطقه براساس این موقعیت خاص ژئوپلیتیکی آن، در طول برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت دارد، می‌تواند سبب توسعه گسترده‌ای در منطقه گردد. نظر به اولویت‌های اجرایی که در راستای توسعه منطقه‌ای در ابعاد:

- ۱- حمل و نقل و ترانزیت؛ ۲- گردشگری؛ ۳- بازرگانی و تجارت؛ ۴- فن آوری اطلاعات ICT؛ ۵- علوم و فنون و آموزش؛ ۶- انرژی؛ ۷- صنعت و معدن؛ ۸- امور زیربنایی و عمران شهری و ۹- فرهنگی- هنری و اجتماعی، صورت گرفته و در حال اجرا است، این اولویت‌های اجرایی با توجه به موقعیت ویژه منطقه آزاد چابهار در طول زمان سبب توسعه منطقه‌ای در این ناحیه خواهد گشت. بنابراین موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه آزاد چابهار نقش مهم و انکار ناپذیری در شکل‌گیری توسعه منطقه‌ای آن خواهد داشت.

References

- Agnew, John, 1998, Geopolitics: Revisioning political world, Rutledge.
Taylor, Peter, 1989, political Geography, Long Man, London.
Thuatail, O.G, 1996, Critical Geopolitics, Rutledge, London
Adibi, M.(1998). Geopolitical Position of Iran after Cold War. Meeting on Geography and Security and Defensive Applications. Imam Hussein University.
Ezzati, E.(2001). Geopolitics. SAMT Publications.
Ezzati, E.(2003). Geopolitics in 21th Century. SAMT Publications.

- Fuler, G.(1994). The World's Kiblah: Geopolitics of Iran. Translated by Abbas Fajr, Tehran: Markaz Publication.
- Hafeznia, M.R.(2000). A New Definition of Geopolitics. Quarterly of Geographical Researches, year 15th, no. 3&4.
- Hafeznia, M.R.(2002). Political Geography of Iran. SAMT Publications.
- Hafeznia, M.R.(2006). Conceptions and Definitions of Geopolitics. Astan-e Qods-e Razavi Publication Institution, Amirkabir Research Center.
- Home and City Consulting Engineers.(1997). General Body Layout of Chabahar Free Zone. Taskmaster: The Organization of Chabahar Free Zone.
- Karimipur, Y.(2001). An Introduction to Iran and the Neighbors of Dispute, Tension and Threat. Jihad-e Daneshgahi, Teacher Training University, first Ed.
- Lakust, E. J.(1999). Factors and Thoughts in Geopolitics. Ali Farasati, Tehran: Aman Publication.
- Mirheydar, D.(1998). Geopolitics: A New Definition. Quarterly of Geographical Researches, Year 13th, no.4.
- Mohammadi Almoti, M.(1995). Free Zones and Its Commercial and Economic Effects. The Institution of Commercial Studies.
- Mojtehdzadeh, P.(2000). Geopolitical Ideas and Iranian Realities. Tehran: Ney Publication, Ferst Ed.
- Mojtehdzadeh, P.(2002). Political Geography and Geographical policy. SAMT Publications.
- Razmara, A.(1941). Military geography of Iran: "Iran's Islands in Persian Gulf". Tehran.
- Safavi, S.Y.(1997). An Introduction to the Military geography of Iran, "Northwest and West of the Country". First Volume, Imam Hussein University.
- Shahrig Consulting Engineers.(2010). Investing Opportunities in Chabahar Free Zone. Taskmaster: The Organization of Chabahar Free Zone.

